

فصل‌نامه علمی - پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی

سال چهاردهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۴۰۱

صفحات ۱۶۷-۱۴۸

تجلی صفات خداوند در مواجهه ایوب با رنج (بررسی تطبیقی عهد عتیق و قرآن)

رودابه خاکپور^۱

مریم اسمعیلی^۲

چکیده

از موضوعاتی که بشر در زندگی خویش به جد با آن درگیر است، مسئله رنج و سختی است که ناگزیر متحمل می‌گردد. این امر همواره دغدغه‌ی ذهنی بشر بوده و به دنبال جوابی قانع‌کننده برای آن می‌گشته است. در این میان کتاب‌های مقدس، با ذکر داستان پیامبران و امت‌های پیشین، گاهی به این موضوع پرداخته و با توجه به شرایط زمانه خویش به دادن پاسخ‌هایی مبادرت ورزیده‌اند. نکته‌ای که از این تفوئیدها می‌توان دریافت این است که کتب مقدس - به طور اخص عهد عتیق و قرآن - در مواجهه با موضوع رنج بشری به بیان صفات الهی پرداخته‌اند و از این طریق سعی در تبیین موضوع و تفهیم آن به بشر خاکی نموده‌اند. پژوهش حاضر - به شیوه توصیفی - تحلیلی - سعی در بررسی و تطبیق تجلی صفات الهی در مواجهه با رنج بشری، در داستان ایوب در دو کتاب مقدس نموده تا از این رهگذر، ریشه‌های الهی ادیان الهی بیش از پیش آشکار شده و نقش اراده الهی در زندگی بشری مورد توجه قرار بگیرد. این پژوهش نشان می‌دهد، در داستان ایوب و رنج و محنت‌های وی در عهد عتیق و قرآن کریم، پیش از هر چیز حضور خداوند و «حی» بودن او قابل مشاهده است. از سوی دیگر در قرآن کریم، پاداش الهی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و ایوب بعد از ابتلا به انواع شداید و سختی‌ها، به تأیید الهی می‌رسد، البته این نوع پاداش در عهد عتیق با جلوه‌های دنیایی همراه بوده و بار معنایی آخرتی و سختی ندارد.

واژگان کلیدی: حضرت ایوب، رنج، صفات الهی، اراده، مشیت، قدرت.

khakpour.roudabe@gail.com

esmaelimaryam507@gmail.com

تاریخ پذیرش

۱۴۰۴/۱۰/۲۰

۱. استادیار، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲. استادیار، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

تاریخ دریافت

۱۴۰۴/۹/۲۲

۱- مقدمه

کتاب‌های مقدس در ادیان الهی بن‌مایه‌های مشترکی دارند که نشانگر سرچشمه یکسان آنهاست. یکی از نقاط مشترک و بن‌مایه‌های یکسان، داستان سرگذشت پیامبران الهی است که در کتب مقدس به بیان سیر تاریخی و معنوی این انسان‌های برگزیده پرداخته شده و در خلال آن، ارتباط خداوند با بشر خاکی و نقش صفات الهی در سیر معنوی بشر و استكمال نفس وی مطرح شده است.

در این داستان‌ها، خداوند با گفتگویی که با پیامبران برقرار می‌نماید، سیطره‌ی قدرت و حکمت و اراده‌ی خویش را به نمایش می‌گذارد و انسان مومن و معتقد را به این نکته متوجه می‌کند که ورای تمام اتفاقات به ظاهر مادی و طبیعی، این خود خداوند است که حضوری دائم و حقیقی دارد.

از سوی دیگر یکی از موضوعاتی که بشر- و حتی برگزیدگان و انبیاء الهی- در سیر زندگی خویش بدان گرفتار است، و گاهی دغدغه فکری او را فراهم می‌کند و دنبال پاسخی برای آن است، مفهوم «رنج» است. از این رو سنت‌های فکری- عقیدتی مختلف، در پی پاسخ به این گرفتاری انسان و یا پیش کشیدن آن در راستای قدح ادیان بوده و هستند. در همین راستا سنت «یهودی» و «اسلامی» نیز سعی در پاسخ به این دغدغه‌ی ذهنی بشر داشته و در خلال بیان داستان‌های پیامبران و امت‌های گذشته به تبیین موضوع؛ اهتمام ورزیده‌اند.

«رنج» در تفکر یهود به حدی چشمگیر است که آغاز پیدایش انسان بر کره خاکی- پس از اخراج آدم از بهشت عدن- با نفرین خداوند برای درد کشیدن و رنج دیدن آدم و حوا آغاز می‌گردد (پیدایش ۳: ۱۹-۱۴). در قرآن نیز خلقت انسان همراه با رنج و سختی بوده و چه بسا انسان همواره در این دنیا قرین رنج و سختی است، چرا که خداوند فرموده است: «لقد خلقنا الانسان فی کبد» (همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم) (بلد/۴).

مولف تفسیر شریف لاهیجی، ذیل آیه‌ی فوق اینگونه بیان می‌کند که: «هر آینه به تحقیق آفریده‌ام آدمی را در تعب و مشقت و آدمی از مبدأ فطرت تا وقت موت گرفتار انواع

محنت و مشقت است» (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۸۷۷). علامه طباطبایی^(ه) نیز درباره‌ی رنج و سختی اشاره شده در این آیه، نظر خود را اینگونه بیان می‌دارند: «این تعبیر که "خلقت انسان در کبد است" به ما می‌فهماند که رنج و مشقت از هر سو و در تمامی شؤون حیات بر انسان احاطه دارد» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۲۰: ۴۸۷). این که سختی و دشواری در زندگی انسان باشد، انسان از آغاز زندگی حتی از آن لحظه‌ای که نطفه او در وجود مادر قرار می‌گیرد، مراحل زیادی از مشقات و درد و رنج‌ها را سپری می‌کند تا به دنیا بیاید، و بعد از تولد در مرحله‌ی کودکی، و سپس جوانی، و از همه مشکل‌تر مرحله‌ی پیری، مواجه به انواع مشقت‌ها و رنج‌ها است، و این است طبیعت زندگی دنیا، و انتظار غیر آن داشتن اشتباه است و این معنای آیه است که انسان را در سختی و دشواری آفریدیم. البته این رنج‌ها صور گوناگونی به خود می‌گیرند؛ گاهی رنج شخصی است و فرد، مبتلا به بیماری و درد می‌گردد- مانند ایوب- و گاه مردم به واسطه گناه مشترک دچار رنج و عذاب می‌شوند؛ گاه رنج صورت عقوبت به خود می‌گیرد و گاهی جنبه تہذیبی و پاک‌کنندگی دارد و باعث ارتقاء شخص می‌شود.

در قرآن و عهد عتیق مسئله‌ی رنج انسان مطرح شده و از زوایای متعددی بدان نگاه گردیده است؛ یکی از داستان‌های مشترک بین این دو سنت الهی، ماجرای ایوب نبی است که «رنج» در آن نقش اساسی و بارزی ایفا می‌کند. از این رو صفات الهی که در مواجهه با این رنج، متجلی می‌گردد بسیار حایز اهمیت است، چرا که نشان می‌دهد هدف از رنج و علت آن و یا منشا این رنج- در این داستان- چه بوده است و چه نتایج معرفت‌شناسی به دنبال دارد.

۱-۱- اهداف و سوالات پژوهش

هدف این پژوهش این است که در مقاله ابتدا به تفکیک، ماجرای رنج ایوب در عهد عتیق و قرآن را مطرح نموده و سپس به مقایسه‌ی صفات الهی متجلی شده در آنها خواهیم پرداخت.

سوالات پژوهش عبارتند از:

- مواجهه قرآن و کتاب مقدس با رنج ایوب چگونه تبیین شده است؟
- رابطه‌ای صفات خداوند در مواجهه حضرت ایوب با رنج چگونه بررسی شده است؟
- وجه تمایز و شباهت داستان رنج ایوب در ارتباط با صفات الهی در قرآن کریم و کتاب مقدس چیست؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

در زمینه رنج مقالات متعددی نوشته شده است: از جمله: مقاله‌ای با عنوان «خدا و مساله‌ی شر (درد و رنج)» نوشته‌ی یدالله رستمی، در سال (۱۳۹۳، شماره ۴) در نشریه فلسفه دین به چاپ رسیده است. مقاله دیگری با عنوان «تحلیل مفهوم رنج از دیدگاه فلسفی» است که به وسیله‌ی مجتبی مصباح و سیدمجتبی سعادت‌الحسینی نوشته شده است و در سال (۱۳۹۴، ص ۹-۳۱) به چاپ نوشته شده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی مولانا از اقسام ایمان در پاسخ به مساله‌ی رنج، توسط قربان علمی، حسین صابری و رزانه نگاشته شده است و در سال (۱۳۹۲، ص ۱۴۳-۱۶۹) که در فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسرا به چاپ رسیده است. همچنین به طور اخص در زمینه موضوع مورد بررسی، مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی تطبیقی از رنج ایوب بر اساس قرآن کریم و کتاب مقدس» در نشریه پژوهشنامه‌ی معارف قرآنی توسط محمد کاظم شاکر و اکرم سلیم نوشته شده و در سال (۱۳۹۹، شماره ۴۱) به چاپ رسیده است. اما تاکنون اثری اختصاصی در رابطه با تجلی صفات خداوند در مواجهه با رنج حضرت ایوب مورد تحقیق واقع نشده است. بنابراین در این پژوهش به بررسی تجلی صفات خداوند در مواجهه ایوب با رنج در قرآن کریم و کتاب مقدس پرداخته شده است. و نیز تمایز و شباهت آن، در دو کتاب مذکور بیان گردیده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین مسایلی که همواره آدمی در طول زندگی خود با آن مواجه است و گاهی دغدغه فکری و ذهنی او را فراهم می‌کند و دنبال پاسخی برای آن

می‌گردد، مفهوم «رنج» است. رنج در فرهنگ لغت فارسی به معنی آزار، آزرده‌گی و اندوه، درد و تلاش، کوشش آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۵). در قرآن کریم نیز واژگان مرتبط با رنج در سیاق‌های مختلف و متنوعی اشاره شده است: از جمله معادل رنج، واژه‌ی عَنَت در آیه‌ی «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَأْمَلِكُمْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ... ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ» (نساء/۲۵). عنت همان به سختی و مشقت افتادن است (ابوالفتح رازی، ۱۳۹۷، ج ۳: ۲۲۲). نیز واژه «نَصَب» در آیه‌ی «الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر/۳۵) است که منظور از نَصَب، رنج و سختی است (برازش، ۱۴۰۰، ج ۱۲: ۴۶۴). همچنین کلمه‌ی «كدح» که رنجی با بار معنایی مثبت، رنجی که انسان برای رسیدن به شأن واقعی خود متحمل می‌شود، در آیه‌ی «أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶). راغب گفته کلمه «كدح» به معنای تلاش کردن و خسته شدن است. پس در این کلمه به معنی سیر است. و بعضی گفته‌اند: كدح تلاش نفس است در انجام کاری تا اینکه آثار تلاش در نفس نمایان گردد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۰۱). نیز کلمه‌ی «كبد» در آیه‌ی «الَّذِي خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴) (که ناظر به شرایط خلقت انسان در دنیاست. در اینجا کلمه کبد به معنای رنج و خستگی است. خلقت انسان در کبد است، به ما می‌فهماند که رنج و مشقت از هر سو و در تمامی شوون حیات بر انسان احاطه دارد، و این معنا بر هیچ خردمندی پوشیده نیست (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۴۸۷)

اما این موضوع «رنج» که از دیرباز فکر بشر را به خود مشغول نموده است، در سنت «یهودی» نیز به طور جدی مطرح گردیده، به گونه‌ایی که فرازهای مهمی از عهد عتیق را به خود اختصاص داده است. البته این رنج‌ها وجوه مختلفی دارند؛ گاهی رنج جنبه‌ی شخصی دارد و فرد، مبتلا به آلام و درد می‌گردد- مانند ایوب- و گاه مردم رنج اسارتِ بابلی را به صورت جمعی به دوش می‌کشند. تاریخ نشان می‌دهد بنی اسرائیل گاه در مصر، ذلیل است؛ گاه در صحرای سینا، بت می‌پرستند؛ گاه در اسارت بابلی گرفتار است؛ گاه در مشقت جنگ

با دول متخاصم؛ گاه گرفتار فقر است و تنگ دستی در گتوها و... در واقع این امر نشان می‌دهد که تاریخ یهود با درد و رنج عجین شده است (صادق‌نیا-نائیچی، ۱۳۹۴: ۹۲). و در واقع توان گفت، قوم یهود در هر برهه و دوره‌ای از تاریخ خویش با نوعی از «رنج» دست به گریبان شده؛ و یا نوع خاصی از آن به سبب پدیده‌ها یا معضلات اجتماعی در اذهان ایشان، مطرح گردیده است.

و اما وجود این «رنج» در عالم هستی - که به عینه نزد اقوام یهود لمس می‌شد - پرسش‌های الهیاتی و کلامی را به وجود می‌آورد که سر منشأ رنج چیست و از کجا صادر می‌شود؟ آیا با وجود خداوند قادر خیرخواه وجود رنج و مشقت چه معنایی دارد؟ (See: Schwarzschild: 291) آیا این امر با عدالت خداوند سازگار است؟ و چرا انسان باید رنج بکشد حتی اگر بی‌گناه و پاک باشد؟ و آیا اینکه جهان ذاتاً دشمن زندگی آدمی است؟ (Concise Dictionary of Religion : 209)

باتوجه به طرح این معضل در اذهان مردمان و درگیر شدن ایشان با سختی‌ها و مشقات بی‌شمار، انبیاء یهود و حکماء بنی اسرائیل بنابر مقتضیات، مفهوم «رنج» را مطرح کرده و دلایلی برای متمحل شدن آن ارایه نموده‌اند. مثلاً در دوران پیشا طوفان، انسان به سبب کثرت گناهان و شدت فسق و فجور محکوم به مرگ گشته و مبتلا به طوفان می‌شود (پیدایش ۶: ۷-۴) و یا در دوره‌ی پس از خروج از مصر، به سبب نافرمانی و بازگشت به بت پرستی - یعنی پرستش گوساله سامری - به قتال با یکدیگر محکوم می‌گردند (خروج ۳۲: ۲۷-۲۵). گاهی نیز بر آن شده تا کفاره گناهان را - که به وسیله «بدی و بلا» به دست می‌آید و تحمل رنج و مشقت جزو آن است - به جای آورد (کهن: ۱۲۴).

اما در تفاسیر عرفانی یهود آمده است که چون وجود جهان و انسان به صورت جدا از خداوندند، مستلزم متمحل شدن درد جدایی هستند (Schwarzschild: 291) و در واقع این درد فراق با رسیدن و وصال پایان می‌یابد. لذا شاید به سبب کثرت این تألمات و مشقات زندگی فرزندان اسرائیل بود که در «سفر دواریم» آمده است: «انسان باید از رنج و عذابی

که بر او وارد می‌شود، بیشتر خوشحال باشد تا از یک زندگی راحت و لذت بخش. زیرا اگر تمام عمر انسان در خوشی و شادمانی بگذرد، گناہانی که مرتکب شده است بخشوده نمی‌شود. پس گناہانش به چه وسیله‌ای بخشوده خواهد شد؟ به وسیله رنج و عذابی که بر او وارد می‌کنند....» و جالب توجه است که از فراز بعدی، مبتلا به فقر بودن بنی اسرائیل نیز مستفاد می‌گردد، زیرا تاکید می‌شود که «تقدیم قربانی تنها پول و دارایی او را کمتر می‌کند، در صورتی که رنج‌ها و عذاب‌ها جسم و روح او را آزار می‌رسانند و کاهش می‌دهند» (کهن: ۱۲۴). بنابراین یکی از موضوعاتی که بشر و حتی برگزیدگان و انبیاء الهی در سیر زندگی خود به آن گرفتار بوده، و گاهی دغدغه فکری و ذهنی‌اش را فراهم می‌کند و دنبال پاسخی برای آن می‌گردد، مسأله‌ی رنج است. از این رو سنت‌های فکری - عقیدتی مختلف، در پی پاسخ به این گرفتاری انسان هستند در همین راستا سنت «یهودی» و «اسلامی» نیز سعی در پاسخ به این دغدغه‌ی ذهنی و فکری آدمی داشته‌اند.

۳- رنج در کتاب ایوب (کتاب مقدس)

کتاب ایوب یکی از مهمترین بخش‌های کتاب مقدس است که به موضوع «رنج» به طور ویژه‌ای پرداخته است. در این کتاب «ایوب» انسان پاک و خداترسی معرفی شده که از نعمت‌های خداوندی بسیاری نیز برخوردار است (ایوب ۱: ۱-۳). اما اتفاقی رخ می‌دهد و ایوب وارد یک امتحان الهی می‌گردد که هیچ نقشی در بروز آن ندارد. در آن اتفاق، روزی شیطان در محضر خداوند حاضر می‌شود و خداوند ایوب را به عنوان یک انسان کامل و نیک معرفی می‌کند: «خداوند به شیطان گفت: آیا در بنده من ایوب تفکر کردی که مثل او در زمین نیست. مرد کامل و راست و خداترس که از گناه اجتناب می‌کند» (ایوب ۱: ۸).

در واقع داستان واقعی رنج ایوب از اینجا شروع می‌شود که شیطان پاسخ می‌دهد: «آیا ایوب مجاناً از خدا می‌ترسد. آیا تو گرد او و گرد خانه او و گرد همه اموال او به هر طرف حصار نکشیدی و اعمال دست او را برکت ندادی و مواشی او در زمین منتشر نکردی. لیکن الآن دست خود را دراز کن و تمامی مایملک او را لمس نما و پیش روی تو، تو را

ترک خواهد کرد» (ایوب ۱: ۹-۱۲)؛ در حقیقت تشکیک شیطان در ایمان ایوب محرک این رنج می‌گردد. به عبارتی می‌توان گفت که این رنج ابتدائاً نتیجه‌ی اعمال ایوب نبود. بلکه بحث ابتلا و آزمایش الهی نیز می‌تواند مطرح باشد.

در واقع بعد از این گفتگویی که در آسمان رخ می‌دهد و خداوند اجازه این کار به شیطان می‌دهد، رنج ایوب بر روی زمین آغاز می‌گردد. او تمام فرزندان، دارایی و اموال خود را به سرعت - و البته طی گفتگوی مجدد شیطان با خدا- از دست می‌دهد و هیچی چیز برای او باقی نمی‌ماند؛ تا جایی که حتی ایوب روز تولد خود را نیز نفرین می‌نماید: «و ایوب متکلم شده گفت: روزی که در آن متولد شدم هلاک شود و شبی که گفتند مردی در رحم قرار گرفت آن روز تاریکی شود» (ایوب ۳: ۲-۳). پس بر این اساس، همه‌ی رنج و ابتلاهای ایوب بوسیله‌ی شیطان بود و خداوند شیطان را بر مال، فرزندان و جسم ایوب مسلط ساخت تا صبر و پایداری وی را بر شیطان نشان دهد.

در پی این رنج، دوستان ایوب نزد او آمده و هریک می‌خواهد علت رنج او را به او گوشزد نمایند و او را گناهکار جلوه دهند. از نظر ایشان این واقعیت که او رنج می‌برد- و از این رو، کیفر می‌شود- یعنی او گناهکار است (الیاده ۱۳۹۵: ۴۰۸). اما ایوب اصرار بر بی‌گناهی خویش دارد. پس در این کتاب با گلابه و شکوه‌های زیاد ایوب مواجهه می‌شویم. در خلال این گفتگوها دوستان ایوب می‌کوشند به او گوشزد نمایند که انسان ذاتاً در برابر خداوند ناپاک و گناهکار است چنانکه الیفاز این سخنان را از زبان روحی ناپیدا- که فقط صدای آن را می‌شنیده- نقل می‌کند که: «آیا انسان به حضور خدا عادل شمرده شود. و آیا مرد در نظر خالق طاهر باشد» (ایوب ۴: ۱۸). در واقع دوستان ایوب سعی می‌کنند این موضوع را در چهارچوب «سفر تنبیه‌ای» مربوط به شریعت و حکمت مطابق با فهم خویش مطرح نمایند (فرای، ۱۳۸۸: ۲۷۳).

در این کتاب دو سوال عمده و اساسی مطرح می‌گردد: ۱- چرایی رنج انسان درست کار و خدا ترس ۲- عادل بودن یا نبودن خداوند درباره‌ی انسان.

درباره‌ی عدالت، یونگ معتقد است در این کتاب «یهوه کمترین اعتنایی به انجام رفتار عادلانه ندارد» (یونگ، ۱۳۹۴: ۱۵). اگرچه از خلال متن و گفتارهای ایوب که درگیر رنج است این امر برداشت می‌شود، اما نتیجه و غایت موضوع چیز دیگری را فراروی قرار می‌دهد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

اما در پاسخ یونگ، شاید بتوان این موضوع را گونه‌ای دیگر هم مطرح ساخت: کتاب ایوب در دوره‌ی بعد اسارت بابلی به رشته تحریر درآمده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۷: ۱۱۸)؛ و در اینجا باید به نکته‌ایی توجه داشت و آن اینکه این عدم توجه خداوند به عدالت شاید ناشی از ذهنیت نویسنده، تحت تاثیر عوامل بیرونی و محیطی بوده باشد. چرا که در این زمان بنی اسرائیل گرفتار یکی از سخت‌ترین دوران‌های حیات خویش بوده است.

به هر روی کتاب ایوب خود کوشیده است پاسخی هرچند «نامفهوم» و یا «درهاله‌ای از ابهام» - البته از نظر خواننده - به این سوالات بدهد. این پاسخ زمانی آشکار می‌گردد که «یهوه» وارد ماجرا شده و با ایوب به مکالمه می‌پردازد: «و خداوند ایوب را از میان گردباد خطاب کرده و گفت: کیست که مشورت را از سخنان بی‌علم تاریک می‌سازد. الآن کمر خود را مثل مرد ببند. زیرا از تو سوال می‌نمایم پس مرا اعلام نما» (ایوب ۳۸: ۱-۳).

در این دیدار یهوه آثار قدرت و خلقت خویش و نیز شگفتی‌های آفرینش را به یاد ایوب می‌آورد و می‌پرسد: «آیا مجادله کننده با قادر مطلق مخاصمه نماید. کسی که با خدا محاجه کند آن را جواب بدهد» (ایوب ۴۰: ۲) و ایوب دست بر دهان خود می‌گذارد که از جواب عاجز است (ایوب ۴۰: ۴-۵).

سپس خداوند از «بهموت» و «لویاتان» یاد می‌کند تا بیش از پیش قدرت خویش در خالقیت و اراده در آفرینش را به یاد ایوب بیاورد. ایوب نیز معترف به این امر می‌گردد: «می‌دانم که به هرچیز قادر هستی. و ابداً قصد تو را منع نتوان نمود» (ایوب ۴۲: ۲)

این امور را شاید بتوان پاسخی به سوالات مطرح شده در این کتاب دانست؛ به گونه‌ایی که عدالت خداوند که مورد مناقشه بود به این علت که خداوند قادر مطلق است و غایت

هرچیز را بهتر و اکمل از انسان می‌داند، شاید هدفی والاتر در پس این اعمال نهفته باشد که قدرت فاهمه بشری عاجز از درک آن باشد. این امر با پاسخ ایوب به خوبی نشان داده می‌شود، جایی که خداوند را با عظمت و جلال، به گونه‌ایی که تا کنون با آن مواجه نشده بود دیدار می‌کند: «از شنیدن گوش درباره تو شنیده بودم. لکن الآن چشم من تو را می‌بیند. از این جهت از خویشتن کراهت دارم. و در خاک و خاکستر توبه می‌نمایم» (ایوب ۴۲: ۵-۶). هرچند که به انسان نمی‌رسد همه آن چیزی که از خداوند به او می‌رسد را درک و فهم کند، گاهی خداوند می‌خواهد درجه‌ی ایمان انسان را بسنجد، پس تمام افعال الهی، عدل بوده و رفتار او با مخلوقاتش از روی رحمت و موهبت و حکمت است. پس در نتیجه‌ی معرفت الهی، انسان در می‌یابد که نباید به خداوند نسبت ظلم دهد، چون پدید آورنده صلح و عدالت هرگز به مخلوقاتش ستم نمی‌کند.

این دیدار ایوب با خداوند باعث دلگرمی ایوب است چون او خدا را نه تنها از راه روایات بلکه اینک از راه یک تجربه شخصی شناخته است (لارو، ۱۳۹۴: ۹۵۶) و معرفت او از یهوه به گونه‌ای دیگرگون شده به طوری که از تمام اعمال و اقوالش توبه می‌کند.

اما دلیل رنج دیدن انسان پرهیزگار نیز به همین پاسخ ختم می‌گردد؛ در واقع این کتاب سعی دارد بفهماند که مفاهمه بشر از اعمال خداوند غیر ممکن است و غایت فعل یهوه بر انسان پوشیده. در واقع ثابت می‌شود که در هر شرایطی حتی در بیگناهی مطلق و بر حق بودن ظاهری نیز بشر قادر به تمییز حکمت الهی نیست و سنجش این امور خارج از ید قدرت بشری است، چنانکه یهوه نه تنها ایوب، بلکه دوستان او را نیز به سبب تعبیرات اشتباه از افعال یهوه مواخذه می‌نماید.

البته همانطور که ذکر شد احتمالاً این تصویر پردازی، ناشی از ذهنیت نویسنده کتاب ایوب باشد از دوران سختی و محنت؛ در این منظر نویسنده خواسته بفماند که ایوب یعنی «قوم بنی اسرائیل»؛ تا این پیام را برساند که قوم نیز همانند ایوب باید بالای مقدر را بپذیرد، چون ایوب، با همه ایوب بودنش، با آن همه زهد و پارسایی، نتوانست برای این بالای مقدر

دلیل قابل فهمی پیدا کند (لارو، ۱۳۹۴: ۹۵۷) لذا تنها کار عاقلانه تسلیم شدن و توکل کردن و ایمان داشتن است به این که سرانجام عدالت اجرا خواهد شد (همو، ۱۳۹۴: ۹۵۷) چرا که ایوب نیز در پایان داستان تمام داشته‌های از دست رفته خویش - و بلکه بیش از آن - را باز می‌یابد.

۴- رنج ایوب در قرآن کریم

داستان ایوب در قرآن کریم نیز مطرح گردیده است، به طوری که نام ایشان ۴ بار در قرآن کریم آمده است، و در این آیات از هدایت ایوب و جزای خیر دادن به او همسان دیگر پیامبران الهی « وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ » (انعام / ۸۴)، بازگرداندن خاندان ایوب به وی به خواست خداوند « وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ » (انبیاء، ۸۴-۸۳) و نیز امر آفریدگار در عمل به سوگند و یادکرد شکیبایی او سخن رفته است (حاج منوچهری، ۱۳۸۹: ۷۲۲). در فرهنگ قرآن حضرت ایوب، نماد صبر و ایستادگی است. و صبر ایوب با عنوان ضرب‌المثل یاد می‌شود.

در واقع در میان این آیات، آیه‌های مربوط به سوره «ص» و «انبیاء» هستند که به رسالت و موهبت خاص خداوند نسبت به ایوب اشاره می‌کنند و در دیگر آیات قرآن، نام این پیامبر الهی در کنار سایر فرستادگان خداوند مورد اشاره قرار گرفته است (جونز، ۱۳۹۲: ۴۶۸).

حایز اهمیت است که سرگذشت ایوب در قرآن کریم بسیار کوتاه و موجز بیان شده است و تطویل عهد عتیق و ذکر جزئیات را دربر ندارد. اما در همین بیانات کوتاه نیز مستفاد می‌گردد که اگر چه ایوب در بلایا و مصائب بسیاری گرفتار شد، و این مصائب به دست شیطان برای امتحان این پیامبر الهی بر وی عارض شد؛ اما ایوب با صبر و شکیبایی، هیچگاه ایمان خود به خداوند را از دست نداد؛ چنانکه خداوند، ایشان را با عبارات: مقام

عبودیت - صبر و استقامت - و بازگشت پیاپی به سوی خداوند یاد کرده است که بسیار حایز اهمیت است (امینی، ۱۳۹۹: ۲۰ و ۲۱) پس با وجود رنج فراوان ایوب، هیچگاه از صبر و شکیبایی ایوب اندکی کاسته نشد، بلکه بیش از پیش صبورتر و شکرگذارتر به درگاه الهی بود.

درباره‌ی این حالات ایوب که در قرآن بدان اشاره شده است، احادیث بسیاری - در جهت ایضاح و تفسیر - روایت شده و مفسرین و متکلمان، هر یک از زاویه‌ی دید خود بدان نگریسته و به تبیین آن پرداخته‌اند. چنانکه در روایتی از امام صادق^(ع) از قول پدر بزرگوارشان آمده است که: «ایوب بی‌گناه بود و هفت سال مبتلا گردید، که پیغمبران گناه نکنند زیرا آنان معصوم‌اند و پاک. نه گناه کنند و نه کجروی و پیرامون گناه نمی‌گردند چه گناه کوچک و چه بزرگ» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۴۶۱)

در تفسیر ملافتح الله کاشانی آمده است: «چون ایوب در بلیه اصلاً جزع و فزع نمود و در محنت ثابت قدم بود حق سبحانه درباره‌ او فرمود که *إِنَّا وَجَدْنَاهُ بَدْرَسْتِي* که ما یافتیم ایوب را صابراً شکیباً در آنچه بنفس و مال و ولد او رسید، *إِنَّهُ أَوَّابٌ* بدرستی که او رجوع‌کننده است بدرگاه ما و بالکلیه رو بجانب ما آورده و از غیر ما منقطع شده و شکایت و استرحام او منافات بصبر ندارد زیرا که این شکایت بجهت شیطان بود» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸: ۵۹).

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان نیز به توضیح درباره‌ی داستان ایوب پرداخته و معتقدند که خداوند علاوه بر اینکه ایوب را در زمره‌ی انبیا و از ذریه‌ی ابراهیم شمرد، و نهایت درجه ثنا را بر او خوانده و در سوره‌ی «ص» او را صابر، بهترین عبد، و «اواب» خوانده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۳۲۴).

علامه همچنین با اشاره به تفسیر قمی و حدیثی از پرسش ابوبصیر از امام صادق^(ع) در این باره بیان کرده‌اند که حضرت می‌فرمایند: «خدای تعالی نعمتی به ایوب ارزانی داشت، و ایوب همواره شکر آن را به جای می‌آورد، و در آن تاریخ شیطان هنوز از آسمان‌ها ممنوع

نشده بود و تا زیر عرش بالا می‌رفت. روزی از آسمان متوجه شکر ایوب شد و به وی حسد ورزیده عرضه داشت: پروردگارا! ایوب شکر این نعمت که تو به وی ارزانی داشته‌ای به جای نیاورده، زیرا هر جور که بخواهد شکر این نعمت را بگذارد، باز با نعمت تو بوده، از دنیایی که تو به وی داده‌ای انفاق کرده، شاهدش هم این است که: اگر دنیا را از او بگیری خواهی دید که دیگر شکر آن نعمت را نخواهد گذاشت. پس مرا بر دنیای او مسلط بفرما تا همه را از دستش بگیرم، آن وقت خواهی دید چگونه لب از شکر فرو می‌بندد، و دیگر عملی از باب شکر انجام نمی‌دهد. از ناحیه عرش به وی خطاب شد که من تو را بر مال و اولاد او مسلط کردم، هر چه می‌خواهی بکن» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۳۲۴)

از آیات بعدی و از سوره «ص» معلوم می‌شود که منظور از «الضر» گرفتاری در بدن و درمان است که در مقام دعا می‌گوید: خدایا من به بد حالی و بلا گرفتار شدم، تو ارحم الراحمینی، این بلاها را از من دفع کن از آیات و روایات معلوم می‌شود که بدنش مریض شده، مال و اولادش از دستش رفت ولی چنان صبر کرد که خدا فرمود: *إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ* (قرشی بنابی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۴۱).

در این میان متکلمان نیز - مانند سید مرتضی، شیخ طوسی - با توجه به اعتقاد اسلامی درباره عصمت پیامبران و عدم امکان صدور گناه از سوی آنها، این سختی‌ها را آزمایشی الهی، و نه عقابی از سوی پروردگار ذکر کرده‌اند. شکیبایی در بلا و رنج و پایداری در ستایش پروردگار که در آیات قرآنی و روایات و تفاسیر بارزترین وجه شخصیت ایوب به شمار آمده، مورد توجه گروه‌های مختلف از نویسندگان مسلمان بوده، و حتی صبر ایوب به سان ضرب‌المثلی در ادب فارسی و عربی رواج داشته است (حاج منوچهری، ۱۳۸۹: ۷۲۳). این صابر بودن و مثل ایوب به صابری در احادیث نیز مطرح گردیده است چنانکه لیث از مجاهد، روایتی بدین مضمون نقل کرده که: «خداوند روز قیامت بر اغنیا به سلیمان و بر بردگان به یوسف و بر برداران به ایوب احتجاج می‌کند» (بیومی مهران، ۱۳۹۵، ج ۳: ۱۸۵).

۵- تجلی صفات خداوند در مواجهه با رنج ایوب^(ع)

در داستان ایوب آنچه در وحله اول بسیار اهمیت دارد، حضور مستمر خداوند در صحنه اتفاقات است، خدا با بنده سخن می‌گوید و این سخن گفتن که البته توام با رمز و اشاره است، اوج ارتباط خالق و مخلوق را به نمایش می‌گذارد. این امر را ایوب در پاسخ خویش نشان می‌دهد که گویی - در گفتگوی خویش با خداوند که از درون گردبادی با او سخن می‌گوید - معنای سرّی درسِ یهوه را فهمیده است (الیاده، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۰۹).

علاوه بر این در اینجا خداوند قصد دارد به ایوب بفهماند که کنه تفکر بشر قادر به فهم غایت فعل الهی نیست، و این از پاسخ ایوب به خداوند نیز آشکار است: «لکن من به آنچه نفهمیدم تکلم نمودم. به چیزهایی که فوق عقل من بود و نمی‌دانستم» (ایوب ۴۲: ۳) در واقع نحوه وجودی آفریننده عالم هر نوع درکی را به چالش می‌طلبد و غایت اعمال او غیر قابل فهم باقی می‌ماند (الیاده، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۰۹).

در ماجرای ایوب شاید از میان صفات الهی «حکمت» تجلی خاصی داشته باشد؛ حکمتی که فراتر از هم و درک انسان‌های عادی و حتی انبیاء است. در واقع در این داستان حکمت بالغه الهی است که نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند که همه چیز را در ید قدرت و اراده الهی می‌نمایاند و آن را دور از دسترس و فهم مخلوقات بر می‌شمارد. البته این حکمت خداوند، خیر و رحمت نیز به دنبال دارد؛ چه اینکه اقتضای حکمت الهی این است که بنده صالح رستگار شود و خیر و سعادت قرین وی باشد، چنانکه خداوند خود فرموده است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ و با هر سختی البته آسانی هست» (شرح/۶).

البته شاید به زعم برخی مفسرین عقد عتیق، این کتاب، جوابی قانع کننده پیرامون «رنج» و «عدالت» نمی‌دهد، اما سعی دارد انسان را متوجه نقص و ضعف خویش در فهم حکمت خداوند بکند؛ و اینکه باید در هر حال صداقت و راستی پیشه کند تا در نهایت مورد رحمت و غفران الهی قرار بگیرد. به عبارتی بیهوده خواهد بود اگر گمان شود که بدون کمک خداوند انسان قادر است «راز بی عدالتی» را درک کند (الیاده، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۱۰).

واقع نویسنده سعی دارد تسلیم محض بودن انسان در برابر آفریدگار و خالق یکتا و صبر و پایداری در مشکلات و سختی‌ها را بر فرد مومن یهودی گوشزد کند.

در نهایت این داستان می‌خواهد بیان کند که هر امری که بر انسان مومن پیشامد می‌کند به اراده خداست و اراده او بر هر چیز غالب است، پس هر چیز برای فرد مومن آکنده از معنای دینی است (الیاده، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۱۰) از این روست که فردی مانند آگوستین این کتاب را به عنوان مثالی برای رحمت الهی می‌داند و گریگوری بر اساس آن کتاب‌های موعظه خویش را تدوین می‌کند (Barton – Muddiman, 2001: 333).

از سوی دیگر می‌توان قدرت مطلقه الهی را نیز در داستان ایوب مشاهده کرد، به گونه‌ایی که همه چیز را در ید قدرت خود گرفته و حتی آلام بشری نیز - چنانکه برخی گمان می‌کنند از سوی مبادی شر یا شیطان است - را از ناحیه خود خداوند می‌توان دانست به گونه‌ایی که در نهایت خیر اعلی را به دنبال دارد.

روایت قرآنی از ایوب، فرهنگ‌های متمایز ایوب نشان داده می‌شود و صبر و تحمل او در مقابل عذابی سخت و طولانی به تصویر کشیده می‌شود، بدون آنکه وی از خداوند حکمت این امتحان را مطالبه کرده باشد. در کل روایت ایوب در قرآن عمدتاً روایتی است مبتنی بر پاداش و از این جهت با داستان ایوب در کتاب مقدس متفاوت است (جونز، ۱۳۹۲: ۴۶۹).

۶- نتیجه‌گیری

در داستان ایوب و رنج و محنت‌های وی در عهد عتیق و قرآن کریم، پیش از هر چیز حضور خداوند و «حی» بودن او قابل مشاهده است. همچنین این که به تدبیر و حکمت بالغه اوست که کارها سامان می‌یابد و شیطان اجازه می‌گیرد که ایوب را مبتلا گرداند و او را در بوته آزمایش بیاندازد.

از سوی دیگر گفتگوی خداوند یعنی «متکلم» بودن او و ارتباط بی‌واسطه و مستقیم داشتن با نوع انسان - و به طور خاص پیامبران الهی - این داستان جلوه‌گری می‌نماید. و منطقاً خداوندی «متکلم» است که سمیع و بصیر نیز باشد.

همچنین خداوند قادر مطلق بوده و غایت و نهایت هر چیزی را بهتر و کامل تر از انسان می‌داند، که قدرت فاهمه‌ی بشری عاجز از درک و فهم آن است. درواقع مفاهمه بشر از اعمال خداوند غیر ممکن است و غایت فعل قادر مطلق بر انسان پوشیده است. به عبارتی به انسان نمی‌رسد، تمامی آن چیزی که از خداوند به او می‌رسد را دریابد. پس درواقع می‌توان گفت که تمام افعال الهی، عدل بوده و رفتار او با مخلوقاتش از روی موهبت و حکمت است. پس در نتیجه‌ی شناخت و معرفت الهی، آدمی متوجه می‌شود که نباید به خداوند نسبت ظلم دهد، چون پدید آورنده‌ی صلح و عدالت هرگز به مخلوقاتش ستم نمی‌کند.

گذشته از اینها در قرآن کریم، پاداش الهی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و ایوب بعد از ابتلا به انواع شداید، به تایید الهی می‌رسد و پاداش صبر و استقامت خویش را دریافت می‌نماید، البته این نوع پاداش در عهد عتیق با جلوه‌های دنیایی همراه بوده و بار معنایی آخرتی در بر ندارد، اما می‌توان مکالمه ایوب با خداوندی که از درون گردباد بر او ظاهر می‌شود و سخن می‌گوید را همان پاداش الهی دانست که نصیب هرکسی نمی‌گردد.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، الخصال، ترجمه: احمد فهری زنجانی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة
- اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد
- الیاده، میرچا (۱۳۹۵)، تاریخ اندیشه‌های دینی، ترجمه: بهزادسالکی، تهران: انتشارات پارسه
- امینی، مریم (۱۳۹۹)، ادبیات رنج، تهران: فرهامه
- برازش، علیرضا (۱۴۰۰)، تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام، ترجمه‌ی سیدرسول بهشتی‌نژاد، هایبل جوانی، مصطفی‌خلاش، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بیومی مهران، محمد (۱۳۹۵)، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه: سید محمد راستگو و مسعود انصاری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- جونز، آنتونی هرل (۱۳۹۲)، «ایوب»، ترجمه: محمدطاهر ریاضی ارسبی، در: دایره‌المعارف قرآن، ج ۱، سر ویراستار: جین دمن مک اولیف، ویراستاران ترجمه فارسی: حسین خندق آبادی و دیگران، تهران: انتشارات حکمت
- حاج منوچهری، فرامرز (۱۳۸۹)، «ایوب»، در: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: چاپ دانشگاه تهران
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غرایب القرآن، قم، دفتر نشر الکتاب.
- رازی، ابولفتوح (۱۳۹۷)، روضه الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۷)، بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی-مسیحی، تهران: انتشارات سمت

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین - انتشارات اسلامی.
- فرای، نورتروپ (۱۳۸۸)، رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات، ترجمه: صالح حسینی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: انتشارات بنیاد بعثت
- کاشانی، فتح‌اله بن شکراله (۱۳۳۶)، تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمدحسن علمی
- کتاب مقدس (بی‌تا)، ترجمه کهن، لایبزیگ
- کتاب مقدس ترسایان (۲۰۱۵)، ترجمه بین‌الکلیسایی، یوحنا رسول
- گوستاو یونگ، کارل (۱۳۹۴)، پاسخ به ایوب، ترجمه فواد روحانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- لارو، جرال (۱۳۹۴)، قصه‌ی زندگی و باور یک قوم، زندگی و ادبیات در آینده‌ی «عهد عتیق»، ترجمه: اصغر رستگار، ج ۲، موسسه انتشارات نگاه
- مقالات:
- صادقی‌نیا، مهرباب و محمدباقر نائیجی (۱۳۹۴)، کارکردهای تربیتی و اخلاقی رنج در الهیات یهودی، نشریه‌ی پژوهش‌های ادیانی، شماره ۶ - صفحات ۸۹-۱۱۶

Resources

- Quran
- Alyadeh, Mircha (2016), History of Religious Thoughts, translated by Behzad Saleki, Tehran: Parse Publications
- Amini, Maryam (2019), Literature of Suffering, Tehran: Farhameh
- Ashkooi, Muhammad ibn Ali (1994), Sharif Lahiji's commentary, Tehran: Daftar Nashr Dad
- Barazesh, Alireza (2011), Tafsir Ahl al-Bayt (peace be upon them), translated by Seyyed Rasool Beheshtinejad, Habil Javani, Mustafa Khalash, Tehran: Amir Kabir Publications.

- Bayumi Mehran, Mohammad (2016), Historical Survey of the Stories of the Quran, translated by Seyyed Mohammad Rastgoo and Masoud Ansari, Tehran: Scientific and Cultural Publications
- Dehkhoda, Ali Akbar (2018), Dictionary, Tehran: Tehran University Press
- Fry, Northrop (2009), The Universal Code: The Holy Bible and Literature, Translated by: Saleh Hosseini, Tehran: Niloufar Publications.
- Gustav Jung, Carl (1994), Reply to Job, Translated by Fawad Rouhani, Tehran: Scientific and Cultural Publications
- Hajj Manouchehri, Faramarz (2010), "Ayyub", in: Encyclopedia of the Great Islamic, Vol. 10, Tehran: Encyclopedia of the Great Islamic
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (until), Al-Khasal, translated by Ahmad Fahri Zanjani, Tehran: Islamic Theological Publications
- Jones, Anthony Herrell (2013), "Ayyub", translated by Mohammad Taher Riyat Arsi, in: Encyclopedia of the Quran, Vol. 1, Chief Editor: Jane Damon McAuliffe, Persian Translation Editors: Hossein Khandaqabadi and others, Tehran: Hekmat Publications
- Kashani, Fathullah bin Shukrallah (1957), Tafsir Kabir Manhaj Al-Sadiqeen Fi Ilzam Al-Mukhalifeen, Tehran: Mohammad Hassan Elmi Bookstore and Printing House
- Laure, Gerald (1994), The Story of the Life and Belief of a People, Life and Literature in the Mirror of the "Old Testament", Translated by Asghar Rastegar, Vol. 2, Negah Publishing House
- Qorashi Banabi, Ali Akbar (1996), Tafsir Ahsan Al-Hadith, Tehran: Besat Foundation Publications
- Raghیب Isfahani, Hossein (1404 AH), Al-Mufradat fi Gharayib al-Quran, Qom, Book Publishing House.
- Razi, Abul-Futuh (2018), R.D. Al-Jinan and Ruh Al-Jinanfi Tafsir Al-Quran, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation
- Sulaymani Ardestani, Abdol-Rahim (2018), Textual and Documentary Study of Jewish-Christian Sacred Texts, Tehran: Samt Publications

- Tabatabai, Mohammad Hossein (2000), Tafsir Al-Mizan, Translated by: Mohammad Baqer Mousavi, Qom: Jamia Madrasaed - Islamic Publications.
- The Holy Bible (Bita), Old Translation, Leipzig
- The Holy Bible of the Terrible (2015), Inter-Church Translation, John the Apostle
- Articles:
- Sadeghinia, Mehrab and Mohammad Bagher Naeji (1994), The Educational and Moral Functions of Suffering in Jewish Theology, Journal of Religious Studies, No. 6, pp. 89-116
- Barton; John & Muddiman; John(2001);The Oxford Bible Commentary; Oxford University Press.